

محمد باقر قالیباف که در انتخابات قبلی نفر اول تهران شده بود، در این انتخابات در تهران چهارم شده است و با استرس نتایج انتخابات را پیگیری می‌کند چرا که بعید نبود تکلیف سردار در دور اول مشخص نشود، اما چه شد که قالیباف انتخابات را این چنین از دست داد و حالا صندلی ریاست مجلس را دور از دسترس تر از همیشه می‌بیند؟ به نظر می‌رسد شکست قالیباف دلایل متعددی داشته است.

تخریب همه جانبه

قالیباف در این انتخابات با تخریب همه جانبه‌ای از طرف رقبای مواجه شده بود. آنها از یک طرف انفعال مجلس را زیر سوال می‌بردند و شعار می‌دادند «این بار فرقی می‌کند» اکانت های فیک و سازمانی در شبکه های اجتماعی هم شروع به افشای ابعاد مختلف زندگی قالیباف کردند. درخواست اقامت فرزند او در کانادا، ماجراهای سفرهای همین فرزند به استرالیا و... قالیباف را در موضع ضعف قرار داد. قالیباف که قبلا به پشتیبانی اصولگرایان از طوفان هایی مثل پرونده املاک نجومی و پرونده خیریه همسرش عبور کرده بود و حتی به ریاست مجلس رسیده بود، اما حالاکه آن حمایت هان بود، به خاطر سفر همسرش به ترکیه برای سیسمونی و سفر فرزندش به استرالیا برای تحصیل، بازخواست شده بود.

انفعال گفتمانی

قالیباف مرد هزار چهره سیاست ایران است. یک روز فرمانده مقتدر پلیس بود و سال بعد خلیان خوش تیپ انتخابات ریاست جمهوری. سال ۹۲ مدیر تکنوکرات شهرداری بود و سال ۹۶ مدیر کاپشن پوش همیشه در میدان. او در مجلس هم سعی کرد همان تیپ شهرداری را حفظ کند و با شعار نظارت میدانی، به استان های مختلف برود. رفتاری که با استقبال گسترده اصولگرایان قرار گرفت اما با روی کار آمدن ابراهیم رئیسی، دیگر نظارت کردن محلی از اعراب نداشت و زود این ماجرا به حاشیه رفت. حالا قالیباف دستاوردی نداشته که به مردم ارائه کند.

زمان از دست رفت

در مسابقات فوتبال، بعضی روش ها استفاده می شود که وقت مسابقه تلف شود. یک نفر خود را به مصدمیت می زند و دیگری تعویض اضافه انجام می دهد. رقیبان قالیباف هم به انواع روش ها دست زدند تا زمان بازی لیست قالیباف از دست برود. پایداری سهم خواهی کرد و مالک شرعیتی از لیست انصراف داد و همه اینها باعث شد قالیباف ۷۰ درصد زمان تبلیغات را از دست بدهد در حالی که رقیبان او فهرست های خود را زودتر منتشر کرده بودند.

غیبت در موقعیت طلایی

روز نیمه شعبان بسیاری از اصولگرایان در هیات های مذهبی تهران حضور داشتند. در این جلسات، لیست های جریان های دیگر توزیع می شد و مداحان و خطیبان هم از اینها حمایت کردند. در این فرصت طلایی، قالیباف غایب بود.

انصراف از لیست ها

قالیباف یک محاسبه غلط داشت. او گمان می کرد اقتدر اعتبار دارد که لیستش به راحتی برنده می شود و مثل محمدرضا عارف سال ۹۴، از فهرست های متفرقه انصراف داد.

همین باعث شد نام او در فهرست های موازی نباشد و رای او کمتر و کمتر شد. مهم ترین فهرستی که قالیباف از آن انصراف داد، فهرست جبهه متحد انقلاب بود که نیروهای بسیجی مستقر در شهرداری که متحد استراتژیک قالیباف بودند، به آن رای می دادند. آنها قالیباف را بالای لیست نشاندهند. قالیباف انصراف داد و حالای می توان گفت که چقدر متضرر شد.

اثرگذاری زاکانی

زاکانی در این انتخابات به دنبال اثرگذاری بود. رفقای زاکانی گرچه با پایداری ائتلاف نکردند، اما اجازه پروبال دادن به رفقای قالیباف را هم ندادند. اگر قالیباف در لیست جا برای زهره الهیان و شاکری نداشت، زاکانی هم به شکلی مدیریت کرد که اجرلو و احدیان پشت در مجلس بمانند.

رفقای که پشت قالیباف را خالی کردند قالیباف باور نمی کرد که رفقای قدیمی پشت او را خالی کنند. این اولین بار نبود که او از پشت خنجر می خورد. در واقع قالیباف مستحق شکست خوردن در انتخابات است و یک تجربه به تجربیات او افزوده شد.

کامبک؟

آینده سیاسی قالیباف حالدار هاله ای از ایهام قرار دارد. طرفدارهای او می چغند او رئیس جمهور بعدی خواهد بود اگر سردار به صندلی ریاست نرسد، آیا در قامت منتقد دولت، انتخابات ۴۰۴ را جذاب تر خواهد کرد؟ در غیبت جریان اصلاح طلب، باید منتظر اتفاقاتی از این دست باشیم.

محمود میرلوحی در گفت وگو با «آرمان ملی»:

# پایداری زیر میز ائتلاف با قالیباف می زند



با وجود خالص سازی، ایران تک حزبی نخواهد شد

جنارهای اصولگرا سقوط کردند

ماه عسل دولت و مجلس کوتاه می شود



آرمان ملی - احسان استقایی: نتایج انتخابات مجلس اعلام شد و حدود ۴۰ درصد واجدین شرایط در انتخابات شرکت کرده اند. از این منظر میزان مشارکت در انتخابات حدود یک الی دو درصد کمتر از انتخابات گذشته است. برخی از نمایندگان فعلی از راهیایی به مجلس باز ماندند و برخی از اصولگرایان و میانه روها نیز که دل در گروی آرای بخش خاصی از مردم داشتند نیز نتوانستند به مجلس راه یابند. به عبارت بهتر در رقابت درون جریانی: اصولگرایان پایداری در این دوره توانسته اند کرسی



بیشتری از مجلس را به دست آوردند. در اینجا به نظر می رسد مساله ریاست مجلس به جالشی در مجلس آینده تبدیل خواهد شد. اگر در نهایت و با در نظر گرفتن مرحله دوم وزن پایداری ها افزایش یابد بعید نیست آقاتهرانی زیر میز زده و ائتلاف با قالیباف را کنار گذاشته؛ هوس نشستن بر صندلی ریاست مجلس را در سر پیرواوند. «آرمان ملی» در این ارتباط برای بررسی انتخابات با محمود میرلوحی، عضو شورای مرکزی حزب اتحاد ملت به گفت وگو پرداخته که در ادامه می خوانید.

آتالیز آرای انتخابات

محمود میرلوحی در ارتباط با تحلیل آرای انتخابات و اثرگذاری رای مردم بر آرایش مجلس گفت: عموما زمانی که بالای ۶۰ درصد در انتخابات شرکت کنند؛ لیست های اصلاح طلب به مجلس راه پیدا می کنند. در صورتی که آرا حدود ۴۰ الی ۲۰ درصد؛ جریان معتدل اصولگرایان می شوند اما زمانی که میزان آرا به ۲۰ درصد می رسد پایداری ها به مجلس راه پیدا می کنند که در این دوره نیز شاهد پیروزی امنا با آرای حدود ۲۰ درصد بودیم.

آرای شهرستان ها برای قالیباف مهم است

این فعال سیاسی در ارتباط با اینکه آیا ممکن است با وجود پیروزی پایداری ها در تهران اما وضعیت برای قالیباف بد نشود گفت: به نظر می رسد با توجه به اینکه در شهرستانها بین ۲۰ الی ۴۰ درصد در انتخابات حضور به عمل رساندن لیست نزدیک به ائتلاف می تواند حرفی برای زدن داشته باشد. این مورد می تواند شرایط را به نفع آقای قالیباف تغییر دهد. البته باید در انتظار نتیجه قطعی انتخابات معلوم شود.

پایداری پیروز شود زیر میز می زند

میرلوحی گفت: دیگری هایی که بین پایداری ها با اصولگرایان و همین دو با برخی وزرای دولت در طول دو سال گذشته داشتند؛ نشان می دهد اصولگرایان دیگر مانند گشته با یکدیگر رود ریاستی ندارند. احتمالا درگیری آنها علنی تر شود. از این رو حتی ممکن است قالیباف و رئیسی هم با یکدیگر اختلاف پیدا کرده و قالیباف هوس رقابت با رئیسی را در ریاست جمهوری در سر پیرواوند. از سوی دیگر هیچ بعید نیست اگر پایداری ها اعضای بیشتری در مجلس داشته باشند ائتلاف خود را با قالیباف برهم بزنند و آقای آقا تهرانی نامزد ریاست مجلس شورای اسلامی شود. ضمن اینکه یکدستی مجلس هم از دست رفته است. در خاطر داریم که در این مجلس ۲۰۰ نفر از آقای رئیسی برای ریاست جمهوری دعوت کردند. اما همان دعوت ۶ ماه دوام نیاورد. از این رو چه آقاتهرانی رئیس مجلس شود چه قالیباف، وضعیت دولت در برابر مجلس خوب نیست. چراکه رودرو خواهند شد حتی اگر از آنها بخواهند که با هم کنار بیایند، چراکه مطالبات مردم در این دوره از کاندیداها جدی

آغاز گمانه زنی برای ریاست مجلس

## متکی بر کرسی قالیباف؟

آینده و مواضع مجلس را متفاوت تر از قبل می کند. مشخصا برخی گمانه زنی ها مبنی بر کنار گذاشتن قالیباف و ریاست پایداری بر مجلس است. بنابر روایت انتخاب، محمد صادق جوادی فعال سیاسی اصلاح طلب، درباره بدنه هوادار رئیسی در انتخابات گفت: میزان مشارکت فعلی پیش بینی ما هم بود و مشخص بود که در شهرهای بزرگ مشارکت اندک است. در طیف اصولگراها قطعاً با تردید مواجه هستیم. آن انسجامی که در تیم اصولگرایان حامی رئیسی وجود داشت، بدون شک از هم جدا شده اند. چون انتخابات مجلس پیش روی ما بود؛ چندان بحث دولت مطرح نیست. در مناطق متعددی مسائل قومی و محلی برای مردم مهم است؛ بنابراین این رانمی توانیم به حساب حمایت مطلق از رئیسی با ترد مطلق دولت بگذاریم. اگر برای دولت بخواهیم سهمی قائل شویم باید در انتخابات ریاست جمهوری آن را بسنجیم. یک طیف روشنی از طرفداران

رئیس تحت عنوان پایداری ها و شریان رای دادند. وی در ادامه در رابطه با همراه بیشتر مجلس با دولت اظهار کرد: فرض را اگر بر این بگذاریم که مجلس با بدنه دولت شکل گرفت؛ کار مهمی برای دولت نمی توانند انجام دهند. تنها کار مهمی که می توانند انجام دهند، به فرض اتفاق گفت وگوهای برجامی با دولت همراهی کنند و مانند دولت روحانی سد ایجاد نکنند. اگر این اتفاق بیفتد که اتفاق لازمی هم هست، مهم ترین نقش مجلس در آنجاست. من تصور می کنم که پایداری ها می خواهند کارهای مهمی به دست آن ها اتفاق بیفتد و مشکلی هم با برجام ندارند. اگر برجام دوباره عملیاتی شود، این ها با رئیسی همراهی می کنند. این فعال سیاسی درباره ریاست مجلس و ترکیب بندی جدید بیان کرد: به نظر من هنوز زود است درباره ترکیب مجلس و ریاست آن صحبت کنیم. در تهران ترکیب پایداری رای آورده، اما در دیگر شهرها دیگر جناح ها رای آورده اند. باید فرآکسیون معتدلین را بررسی کنیم. اگر فرآکسیون معتدلین سنگین باشد، طرفداران پایداری زیاد کاری نمی تواند انجام دهد. فرآکسیون مستقلین نیز در مجلس اگر بتوانند مستحجم عمل کنند، موازنه ایجاد می کنند. شاید از بین لیستی که رای اول تهران را آوردند، آقای متکی یکی از کسانی باشد که برای ریاست مطرح شود. جوادی حصار درباره پیام های این انتخابات برای اصلاح طلبان گفت: اصلاح طلبان به دو شکل با مساله برخورد می کنند. اول اینکه مطرح کنند ما کاهش مشارکت را پیش بینی کرده بودیم؛ دوم اینکه این عدم نیامدن را به پای خود بگذارند و بگویند که این نیامده ها طرف ما هستند. در حالیکه در گفتمان دوم توفیقی برای اصلاح طلبان وجود ندارد. اگر گشایشی در کشور ایجاد شود و برجام حل شود، مردم دنبال آن مطالبات هستند نه اصلاح طلبان؛ اگر به این مطالبات پاسخ داده شود مردم به صندوق باز می گردند.

فراسو

دست کم گرفتن حرف های معنادار پوتین اشتباه بزرگی خواهد بود

برنامه شش ساله او فراتر از اوکراین است

ولادیمیر پوتین، رئیس جمهور روسیه در سخنرانی سالانه خود به نکات مهمی اشاره کرد که همچنان از موضوعات قابل بحث در محافل غربی است. اظهارات پوتین برای نمایندگان دو مجلس سفلی و علیای روسیه نه تنها از تلویزیون دولتی بلکه از صفحه های نمایش بزرگ در شهرها و حتی در بعضی از سینماها پخش شد. پوتین در سخنرانی نشان داد که ابایی از دشمنی غرب ندارد و کشورش با تمام توان با تهدیدها مقابله خواهد کرد. تاتیانا استانوایا، تحلیلگر ارشد حوزه اوراسیا در همین راستا در مقاله ای برای اندیشکده کارنگی سخنرانی سالانه پوتین را تشریفات بیش از انتخابات تلقی کرد که احساسی ترسناک از مارییچ شمدید تنش را بر جای گذاشت. در فرآزهایی از مقاله او با عنوان «مانیفست شش ساله پوتین چشم اندازی فراتر از اوکراین دارد» آمده است: او تصمیم گرفت از پلتفرم سخنرانی سالانه خود در کشور در روز پنجشنبه به عنوان یک فرصت مناسب برای مبارزات انتخاباتی استفاده کند. جای تعجب نیست که پوتین با چیزی که شخصا برای او اهمیت دارد شروع کرد؛ جنگ در اوکراین. سخنرانی در هر دو اتاق پارلمان روسیه احساس ملموسی را منتقل کرد که این یک لحظه مهم است: از نظر رهبری روسیه، کشور نوعی نقطه عطف ژئوپلیتیکی را پشت سر گذاشته و مزیت استراتژیک بلندمدت خود را ایجاد کرده است. در سخنرانی سال گذشته، پوتین معتقد بود که نتیجه رویارویی هنوز مشخص نشده است. آن سخنرانی ملو از طغیان های عاطفی، رنجش و آشفتگی بود، اما امسال پوتین مطمئن بود که از خط بحرانی عبور کرده و سخنانش غرور آفرین و با اعتماد به نفس بود. او اعلام کرد که ابتکار عمل نظامی در دستان روسیه بوده و حمله را در پیش گرفته است. افق این جنگ اکنون گسترده تر شده است. اگر یک سال پیش، پوتین بر حفاظت از سرزمین تمرکز داشت و بر مسائل دفاعی و حتی فداکارانه تکیه می کرد، امسال پیروز به نظر می رسید، اما نه به نمایندگی از یک قربانی ژئوپلیتیکی، بلکه به عنوان یک «نیروی قوی و شکست ناپذیر» صحبت می کرد. این تغییر را می توان با ایمان فزاینده کرملین به مزیت نظامی روسیه در جنگ با اوکراین و احساس ضعف و چندبستگی غرب توضیح داد. پوتین همچنین تصریح کرد که دستور کار او به اوکراین ختم نمی شود. او از این خطاب استفاده کرد تا روسیه را به عنوان «سنگر ارزش های سنتی که تمدن بشری بر آن استوار است» و به عنوان یک ایدئولوژیست ژئوپلیتیک مورد حمایت «اکثریت مردم جهان» از جمله میلیون ها نفر در کشورهای غربی» معرفی کند.

اشتباه بزرگ

دست کم گرفتن جاه طلبی این کلمات اشتباه بزرگی خواهد بود. این تبلیغات تو خالی نیست، بلکه بازنمایی از برنامه هایی برای گسترش ایدئولوژی، صدور «پوتینیسم» به کشورهای غربی و کار فعال با «دوستان» بالقوه است. به عبارت دیگر، میدان نبرد ژئوپلیتیکی برای ارزش ها بار دیگر در حال حرکت به سمت قلمرو غربی است و پوتین بیش از هر زمان دیگری احساس اعتماد به نفس می کند. در عین حال، کرملین در حال تغییر معنای جنگ برای مخاطبان داخلی است. وقتی پوتین از «بهار افسانه ای روسیه» و «نووروسیا» صحبت می کند، وقتی از پرسنل نظامی که در جنگ می جنگند تمجید می کند و به فداکاری آنها به میهن شان، همبستگی آنها، تمایل آنها برای کار شبانه روزی و دادن همه چیزشان می بالد. او یک بردار سیاسی بسیج طرفدار جنگ را تنظیم می کند. این در حال تبدیل شدن به چراغ راه برای اداره ریاست جمهوری، پلیس و سرویس های امنیتی، مقامات منطقه ای، روسای مدارس و دانشگاه ها، مدیران عامل شرکت های دولتی و مسئولان ارشد رسانه ها است. پوتین عملاً از آنها می خواهد تا هرگونه مخالفت با این رویه، احساسات ضد جنگ، با زیر سؤال بردن اقدامات دولت را سرکوب کنند. پیام پوتین کاملاً واضح است: «همه مردم با ما هستند. هر چیزی که در این تصویر «همبستگی» نمی گنجد، جرم انگاری می شود. در حال حاضر، از مردم برای پوستن به جنگ به صورت داوطلبانه دعوت شده است. هر نوع مشارکتی پذیرفته می شود. به تک تک افراد سهمی از مسئولیت برای «پیروزی» آینده اختصاص داده می شود و فضای باقی مانده حتی برای «بی طرفی» از بین رفته است. پوتین به عنوان جبران این بار مسئولیت جدید، پرداخت های اجتماعی، کاهش نرخ وام مسکن، افزایش حداقل دستمزد و فرصتی را برای کسانی که مستقیماً در «عملیات نظامی ویژه» درگیر هستند، ارائه می کند تا به «نخبگان واقعی» تبدیل شوند. با این حال، هدیه اصلی او پیش از انتخابات، تضمین حفاظت از «شکست استراتژیک» است: از برنامه های زیرکانه غرب برای تبدیل روسیه به «فضایی وابسته، رو به افول و در حال مرگ که بتوانند هر کاری که می خواهند با آن انجام دهند». این عصاره خاص از سخنرانی پوتین، تجسم جمله معروف ویاجسلاو ولودین، رئیس دوماست: نه پوتین، نه روسیه. امروز می توان این جمله را روز کرد: «بدون جنگ، روسیه وجود نخواهد داشت». این پیام به غرب شاید مهم ترین عنصر سخنرانی بود. پوتین با اشاره به اینکه «نیروهای هسته ای در آمادگی کامل رزمی قرار دارند»، گفت: سیستم موشکی راهبردی سازمان به نیروهای نظامی تحویل داده شده است و سیستم های موشکی ما فوق صوت کینژال و زیرکن هم اکنون مورد استفاده قرار می گیرند. سپس پوتین به آرامی به موضوع گفت وگو با ایالات متحده پرداخت، که به گفته وی، تنها با شرایط روسیه امکان پذیر بوده و هر نوع دیگری قابل پذیرش نیست. در واقع، این بدان معنی است که روسیه از ایالات متحده می خواهد که با تجزیه اوکراین موافقت کند که در شرایط فعلی غیر واقعی است.

پوتین در سخنرانی خود پیشنهاد هایی برای گفت وگو را «دروغ زدگی» خواند و هرگونه برنامه ای برای استقرار سلاح هسته ای در فضا را که اخیراً توسط رسانه های غربی گزارش شده را تکذیب کرد و گفت که چنین ادعاهایی تلاشی از سوی غرب برای کشاندن روسیه به مذاکراتی است که تنها به نفع ایالات متحده است.

